

## تبیین فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی جریان روشنفکری ملی - مذهبی در دوره محمد رضا شاه پهلوی: از شهریور ۱۳۲۰ تا آغاز فضای باز سیاسی ۱۳۳۹

فریده باوریان  
دکترای تاریخ انقلاب اسلامی  
fbavaryan@gmail.com

### چکیده

حرکت نوگرایانه دینی در اواخر دوران حکومت رضاشاه و تحولات پس از شهریور ۱۳۲۰ جریان روشن فکری تازه‌ای را به جامعه عرضه داشت؛ جریانی که از بطن آن طیفی مذهبی متأثر از تمدن اروپایی و ایدئولوژی لیبرالیسم نمود پیدا کرد. این طیف با توجه به شیوه غالب مبارزه جهانی - یعنی مبارزه مسالمت‌آمیز فرهنگی - اجتماعی - وضعیت حکومت استبدادی، اولویت را به فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی داد و آن را طی دهه‌های ۲۰ و ۳۰ از راه‌های مختلف پیگیری کرد.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و استناد به مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد آرشیوی انجام شده است.

پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: «مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی جریان ملی - مذهبی در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ چه بود و آن‌ها با چه اهدافی به این شیوه از فعالیت‌ها روی آوردند؟»

نتیجه پژوهش حاکی است که طیف مذکور به این دلیل به این شیوه از فعالیت‌ها روی آوردند که مسئله اساسی جامعه ایرانی را نه در تغییر حکومت، بلکه در مشکلات فرهنگی - اجتماعی و اصلاح آن در چارچوب قانون اساسی از طریق ایجاد کانون‌هایی برای حرکت جمعی در جهت تقویت و بازسازی ایمان، اخلاق و اندیشه درست دینی و ملی برای تربیت نسل جدید می‌دانستند.

واژگان کلیدی: لیبرالیسم؛ رضاشاه؛ ایدئولوژی؛ ایران؛ روشن‌فکران ملی - مذهبی.

## مقدمه

اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ ضربه‌ای هولناک بر افکار ایرانیان وارد آورد؛ ولی پیامد آن - یعنی سقوط دیکتاتوری رضاشاه - فضایی برای نفس‌کشیدن پس از وقفه‌ای حدوداً ۲۰ ساله فراهم کرد و موج حیات و جوششی را در عرصه‌های مختلف کشور برانگیخت که سبب تغییر و تحولات سیاسی-اجتماعی عمیقی شد. این تحولات برای بسیاری از جریان‌های فکری - سیاسی «عصر تجربه» برای «تمرین دموکراسی» تلقی شد (غنی‌نژاد، ۱۳۷۷، ص ۴۲). اوضاع این دوره بیشتر مفهوم اصلاح‌طلبی را در ذات خود داشت و متوجه اصلاحات سیاسی - اجتماعی بود؛ بنابراین، این جریان‌ها به فعالیت‌های مسالمت‌آمیز فرهنگی - اجتماعی و سیاسی به‌عنوان استراتژی‌ای پویا روی آوردند. این استراتژی به تغییرات تدریجی اجتماعی - فرهنگی و تحول آرام سیاسی، با شیوه‌های صلح‌جویانه و بدون توسل به خشونت و تغییرات سریع و بنیانی، معتقد بود (فراستی، ۱۳۷۵، صص ۶۶ و ۷۴). از جمله جریان‌هایی که در این دوره به این شیوه از فعالیت توجه کرد، جریان روشن‌فکری ملی - مذهبی بود. این جریان از اواخر عرصه نهاده بود. این طیف علاوه بر تجددخواهی و ملی‌گرایی، از ویژگی‌های برجسته مذهبی با تفسیرهای دینی نوگرایانه نیز برخوردار بود (یزدی، ۱۳۸۶، صص ۷۵-۷۷) و به‌لحاظ تاریخی ریشه در «جنبش احیای فکر دینی» اواخر سده ۱۳ ق داشت و دست‌مایه ایدئولوژیک آن بازگشت به سرچشمه‌های اصیل و احیای توانمندی‌های دیرینه اسلام بود (زکریایی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰). این روشن‌فکران به نقش دین در ایجاد انگیزه و تحرک اجتماعی افراد واقف بودند؛ ولی با این اعتقاد پا به عرصه گذاشتند که دین سنتی و متولیان آن نمی‌توانند پویایی دین و هماهنگی آن با دنیای جدید را به مردم معرفی کنند؛ بنابراین متولیان مدرن دین باید با کنارزدن سنت‌ها، و خرافه‌ها از دین و خارج کردن آن از دست روحانیت سنتی راه خلاقیت، و پیشرفت را در جامعه بازکنند (امیری، ۱۳۸۹، ص ۸۳). آنان معتقد بودند که وضعیت و فضای تازه سیاسی - اجتماعی، نیازها و مسائل تازه‌ای را در جامعه ایجاد می‌کند که پاسخگویی به آن‌ها دیگر با توضیحات خشک دینی

کفایت نخواهد کرد و به عرضه راه‌حل‌های جدید و پاسخ‌های وسیع و عمیق با زبانی جدید نیازمند است (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۶۸). بنابراین تلاش کردند تا به‌عنوان طیفی فکری - فرهنگی با رویکردی مدافعه‌جویانه و تلاشی شالوده‌شکنانه، از آن‌چه با عنوان اصول فرهنگی و معتقدات دینی پذیرفته و در زندگی تجربه کرده بودند، با زبان جدید و علمی روز برای احیاء جامعه‌ای دموکراتیک دفاع کنند (فوزی، ۱۳۸۸، صص ۱۰۷-۱۰۸) و براساس این اصل مبنای کار خود را بر تحول مسالمت‌آمیز و به‌دوراز خشونت نهادند و به تلاش برای استقرار آزادی و دموکراسی، برگزاری انتخابات آزاد، جلوگیری از دخالت مستقیم شاه در مسائل سیاسی و... پرداختند.

### ۱- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشگران به‌صورت مستقل و مستقیم، موضوع پژوهش حاضر را جامع و هدفمند بررسی نکرده‌اند؛ بلکه غیرمستقیم و گذرا در ضمن مباحث مربوط به احزاب و جریان‌های سیاسی (نهضت آزادی، جریان‌های راست)، جریان روشن‌فکری و انشعابات آن (به‌ویژه جریان روشن‌فکری دینی) و اندیشه سیاسی شخصیت‌های فعال این جریان روشن‌فکری و زندگی نامه آن‌ها (شخصیت بازرگان، سبحانی و...) به بررسی فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی این جریان بسنده کرده‌اند؛ بنابراین غالب کارهای انجام‌شده در این زمینه صرفاً جانبی بوده و تاکنون پژوهش مستقل علمی جامع، روشن و دقیقی در این باره ارائه نشده‌است. در این راستا نوآوری مقاله حاضر در این است که ضمن بهره‌گیری از همه آن آثار، تمرکز موضوعی بر حوزه فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی جریان روشن‌فکری ملی - مذهبی را وجه ممتاز خود قرار داده است تا بتواند بخشی از خلأها و ابهامات موجود در حوزه فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی این جریان را رفع کند. با این توصیف در ادامه چند اثر تحقیقی با ویژگی‌های مذکور به‌عنوان پیشینه پژوهش به‌اختصار معرفی می‌شود:

کتاب در «تکاپوی آزادی»، اثر حسن یوسفی اشکوری (۱۳۷۶): این اثر در جلد اول به معرفی مهندس بازرگان - به‌عنوان نمادی از تاریخ معاصر ایران - از زمان تولد در سال ۱۲۸۶ تا سال ۱۳۵۶ پرداخته‌است. نویسنده ضمن معرفی اجمالی اوضاع عمومی کشور

در مقطع مذکور، به فعالیت‌های علمی، دینی، فرهنگی، و سیاسی بازرگان پرداخته‌است. کتاب «کارنامه سیاسی و فرهنگی دبیرستان‌های کمال نارمک، رفاه، علوی»، اثر حمید کرمی‌پور (۱۳۸۹): نویسنده در این کتاب با استفاده از شیوه تاریخ شفاهی و اسنادی، به دنبال روشن کردن پرسش‌هایی مانند چگونگی تأسیس دبیرستان کمال نارمک - که روشن‌فکران ملی - مذهبی از بنیان‌گذاران آن بودند - و دبیرستان‌های رفاه، و علوی و همچنین کیفیت برنامه درسی رسمی و غیررسمی آن‌ها، ماهیت فعالیت سیاسی مسئولان، معلمان، و دانش‌آموزان آن‌هاست.

کتاب از «بازرگان تا سروش»، اثر فروغ جهانبخش (۱۳۸۲): نویسنده در این کتاب ضمن طرح مباحث اندیشه‌ای و فعالیت سیاسی افرادی همچون مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، آیت‌الله طالقانی و... به ذکر بخشی از فعالیت‌های فرهنگی و علمی آن‌ها در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ در کانون فرهنگی اسلام و... پرداخته‌است.

کتاب «زندگی‌نامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان»، اثر سعید برزین (۱۳۷۴): نویسنده در این اثر با تحقیقی جامع و علمی در ضمن مباحث اندیشه‌ای و سیاسی مربوط به مهندس بازرگان به بررسی فعالیت‌های انجمن‌های اسلامی، کانون فرهنگی اسلام و به‌طور کلی فعالیت‌های حزبی و انجمنی در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ پرداخته‌است.

## ۲- بسترهای ظهور اصول فکری - ایدئولوژیکی و مهم‌ترین آن‌ها

در فضای سیاسی پس از سقوط رضاشاه با وجود آزادی به‌وجود آمده برای فعالیت احزاب و جریان‌های سیاسی نوعی احساس یأس و تزلزل در اعتقاد به ارزش‌ها بر دل‌ها سایه افکند. این احساس یأس از یک‌سو ناشی از احساس سرخوردگی و حضور قدرتمندانۀ نیروهای خارجی در ایران بود (غنی‌نژاد، ۱۳۷۷، ص ۴۲) و از سوی دیگر متأثر از تحولات فرهنگی - سیاسی داخلی و تحولات سه جریان عمده روشن‌فکری چپ، جریان بهائیت، و جریان مدعیان اصلاح دین (تجدیدنظرطلبان) بود. این جریان‌ها فعالیت خود را در دوره رضاشاه، با ایجاد بسترهای خاص سیاسی - اجتماعی به صورت مخفی (مانند نیروهای چپ که رضاشاه کاملاً با سیاست‌های آن‌ها مخالف بود) و یا علنی و پرتحرک (مانند دو جریان دیگر که مورد حمایت حکومت قرار داشتند) آغاز کردند و با

خلع رضاشاه از قدرت، با استفاده از شعارهای جذّاب میهن‌پرستانه و الفاظ و عبارات علمی و انتقاد از دین و ارزش‌های دینی، در پی ایجاد تغییرات بنیادی در اصول اعتقادی و ارزش‌های دینی مردم برآمدند و عقاید مذهبی مردم را در صحنه فرهنگ و سیاست با مسئله روبه‌رو کردند و بدین‌وسیله درصدد برآمدند تا به مبارزه با دین و ارزش‌های سنتی - مذهبی ایرانیان پردازند و با گسترش کمی ذهن نسل جوان و تحصیل کرده را تسخیر کنند (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۷۳؛ غنی‌نژاد، ۱۳۷۷، ص ۵۰).

در واکنش به هویت‌خواهی مفرط و جهان‌بینی‌های غیردینی و ضددینی این جریان‌ها بود که فضا برای فعالیت فکری - عقیدتی موج جدیدی از دین‌داران ملی - مذهبی از میان دانشجویان و استادان دانشگاه تهران و روشنفکران جامعه به تناسب شرایط زمان و مکان و نیازهای آن دوره فراهم شد. این گروه‌ها در پی احیاء اندیشه اسلامی و گسترش اسلام‌خواهی بودند (سحابی، ۱۳۷۷، ص ۴۶۷؛ یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۸۳). تقریباً همه افراد جریان مذکور عمیقاً با غرب پیوند داشتند. آن‌ها در فضای فکری - سیاسی بعد از سقوط رضاشاه با حمایت و رهبری فکری ایدئولوگ خود (مهدی بازرگان) سرآمد جریان روشن‌فکری دینی محسوب می‌شدند و برای خود رسالتی بیش از بازسازی و نوسازی اندیشه‌های رایج دینی احساس می‌کردند. بنابراین به‌طور عام پذیرای ارزش‌های تمدن مدرن شدند و با حرکت به سوی انگاره‌های مدرن درصدد برآمدند تا با تلفیق نگرش اسلامی با اندیشه‌های مدرن «لیبرالیسم» و «ناسیونالیسم»، نظام اندیشه اجتماعی و سیاسی را بازسازی کنند و واسطه انتقال این مفاهیم به درون دین شوند. در این زمان مهندس بازرگان - مهم‌ترین چهره پیش‌گام در این گرایش - در نظام فکری خود برای بازسازی اسلام در عرصه اجتماع به استفاده از ایدئولوژی‌های جدید غربی روی آورد و نسخه‌ای پوزیتویستی از اسلام همراه با یک نظریه اجتماعی لیبرال ارائه داد که در آن «آزادی» در معنای «لیبرال» آن به‌عنوان مفهومی مرکزی مورد توجه قرار گرفت؛ مفهومی که سایر مفاهیم حول محور آن دور می‌زدند، تا با تأکید بر آن بتوان معنای جدیدی از دین‌شناسی در این دهه ارائه داد. در آن زمان این ملاحظه مبنای فعالیت‌های فرهنگی و بعدها سیاسی بازرگان و همراهانش قرار گرفت (پدرام، ۱۳۸۲، صص ۱۰۱ و ۱۱۲). بر همین اساس است که بعدها به تسامح واژه لیبرال

درباره این جناح به کار رفت. این وجه تسمیه به دلیل تلاش‌های فکری مهندس بازرگان و همراهان او برای انتقال ایده‌های مدرن تحقق آزادی، استبدادستیزی، حکومت قانون و مردم‌سالاری به جامعه سنتی ایران بود (فوزی، ۱۳۸۸، صص ۱۰۷-۱۰۸).

روشن‌فکران ملی - مذهبی در مسیر حرکت خود علاوه بر لیبرالیسم از ناسیونالیسم هم متأثر شدند و سازگاری آموزه‌های دینی با ناسیونالیسم را نیز تشریح کردند (قریشی، ۱۳۸۴، صص ۱۹۸-۲۰۳). تأکید بر «علم‌گرایی»<sup>۱</sup> نیز یکی دیگر از مهم‌ترین مقوله‌های تأثیرگذار بر فکر و اندیشه این روشن‌فکران محسوب می‌شد و آن‌ها سعی می‌کردند سازگاری میان دین و علم جدید را اثبات کنند (کاظمی، ۱۳۸۳، صص ۱۲۳-۱۲۴) و تفسیرهای علمی از اسلام ارائه دهند و نوع و شیوه حکومت و رابطه مردم با حکومت در اسلام را براساس آن تفسیر کنند (فوزی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶). با توجه به آنچه گفته شد؛ شاید بتوان به ایجاد نوعی «رنسانس اسلامی» یا «دین‌پیرایی» به دست این طیف روشن‌فکری اشاره کرد. رنسانسی که با پیوند دین و دنیا، نقد سنت و روحانیت، بازنگری در مفاهیم دینی با ایدئولوژی‌های اروپایی، و پیوند علم و دین در جهت احیای اندیشه‌ها و مفاهیم اسلامی در میان آن‌ها همراه بود (شفیعی‌فر، ۱۳۷۸، ص ۱۸۰).

### ۳- فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی در دهه ۲۰

جریان روشن‌فکری ملی - مذهبی حول گفتمان آزادمحوری مهندس بازرگان در دهه ۲۰ هویت مستقلی یافت. جو غالب مبارزه در این دهه بیشتر در دست جریان‌های غیرمذهبی بود؛ ولی این جریان با رویکردی مذهبی بیشتر تلاش‌هایش را برای رفع مشکلات فرهنگی و اجتماعی، و تربیت جوانان - به‌ویژه دانشجویان - قرار داد (برزین، ۱۳۷۴، صص ۶۷-۶۸) و در حرکت فکری-ایدئولوژیکی مسالمت‌آمیزی شرکت کرد که آرام‌آرام در قالب تشکل‌ها و انجمن‌هایی با پسوند اسلامی در جامعه نمود پیدا کرده بود (بزدی، ۱۳۵۷، ص ۶۱). این حرکت را روشن‌فکران ملی - مذهبی به «نهضتی مبارک» تشبیه کرده‌اند (بازرگان، ۱۳۸۷، ج ۱۶، صص ۲۶۵-۲۶۶). این جریان «کانون

1. Positivism.

اسلام» و «انجمن اسلامی دانشجویان» را با همکاری داوطلبانه جمعی از تجار، کسبه و دانشجویان با هدف زدودن آثار تبلیغات سوء و مبارزات ضد دینی در دانشگاه‌ها و مساجد، و هم‌چنین برگزاری جلسات سخنرانی دینی و مجالس وعظ تشکیل داد (امیری، ۱۳۸۳، ص ۲۲۱). این دو مرکز بیشتر جنبه فرهنگی و تبلیغاتی داشتند و غالباً پایگاهی برای فعالیت فرهنگی و فکری - تبلیغی روشن‌فکران ملی - مذهبی، تربیت و اخلاق اجتماعی جوانان و وزنه‌ای در رقابت با کمونیست‌ها بودند (بازرگان، ۱۳۸۷، ج ۱۶، صص ۲۶۵-۲۶۶). به‌طور کلی در این دهه تکیه بر مسائل فرهنگی و رفع مشکلات اجتماعی در قالب نهادهای مذکور، چاپ مقالات و انجام سخنرانی‌ها و... توسط این طیف آنچنان پررنگ بود، که سعید برزین تکیه آن‌ها بر مسائل فرهنگی را به تمام دوران فعالیتشان تعمیم می‌دهد و معتقد است که از نظر سیاسی آن‌چه که بعدها توسط آنان بیان شده‌است در بست در تحول فرهنگ عمومی برای پیشرفت متعادل اجتماعی بوده‌است (برزین، ۱۳۷۴، صص ۶۷-۶۸).

در ادامه عمده فعالیت‌های جریان‌های ملی - مذهبی در دهه ۲۰ بررسی می‌شود:

### ۱-۳- فعالیت در کانون فرهنگی اسلام

کانون فرهنگی اسلام از اولین تشکل‌های مذهبی مدرن بود. این تشکل را سال ۱۳۱۹ چند نفر از متدینین فرهنگی مدارس، در تهران تشکیل دادند. این تشکل پس از کناره‌گیری رضاشاه، جنبه اجتماعی و سیاسی پیدا کرد (برزین، ۱۳۷۴، ص ۵۴) و با هدف تبلیغات اسلامی و امور خیریه به فعالیتش ادامه داد (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۲۲۰-۲۲۱). این کانون در مسیر فعالیتش هیچ‌گونه تشکیلات، برنامه یا عضویت مشخصی نداشت و به‌شکل مبسوط از نشست‌های مذهبی آیت‌الله طالقانی درباره تفسیر قرآن متأثر بود. روشن‌فکران ملی - مذهبی نخستین‌بار هسته اصلی فعالیت خود را در این کانون تشکیل دادند (کاظمی، ۱۳۸۳، ص ۷۶؛ جهانبخش، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰). جلسات کانون ابتدا تماماً رنگ اجتماعی و علمی داشت؛ ولی بعداً آیت‌الله طالقانی دست به ارشاد، اصلاح و مقابله با موج کمونیستی زد و برداشت‌های جدیدی درباره اسلام و دین براساس قرآن بسط و انتشار داد که با استقبال وسیع مردم مواجه شد (سحابی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۸).

مخاطبان اصلی کانون عمدتاً از قشر تحصیل کرده علوم جدید بودند؛ بنابراین کم‌کم چهره‌های برجسته‌ای از دانشگاهیان با دغدغه‌های مذهبی فعالیت خود را در آن آغاز کردند که در این میان، برجسته‌ترین چهره مهندس بازرگان بود. بازرگان فعالیت‌های منظم اجتماعی - مذهبی و سیاسی خود را در سال ۱۳۲۱ از کانون فرهنگی اسلام آغاز کرد؛ تا جایی که اهمیت این کانون بیشتر به فعالیت‌های او پیوند خورد (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۲۰؛ شیخ فرشی، ۱۳۸۱، ص ۳۰۷).

از دیگر چهره‌های فعال ملی - مذهبی در این کانون می‌توان به دکتر یدالله سبحانی اشاره کرد. در این زمان دعوت از این دو چهره سرشناس روشن‌فکری برای فعالیت و سخنرانی در کانون اسلام - به دلیل آشنایی این چهره‌های نوظهور با علوم جدید - برای دادن پاسخ‌های علمی، منطقی و قابل قبول به نیازهای روز جامعه انجام شد (امیری، ۱۳۸۳، ص ۳۰۵). آن‌ها هم، بیشتر فعالیت‌های خود در کانون را بر رد ناسازگاری علم و دین متمرکز کردند تا برای اثبات سازگاری بین دانش نوین و عقاید اسلامی، سخنرانی‌هایی مرتبط با نیازهای روشن‌فکری زمانه ارائه دهند. در جلسات این کانون بود که بازرگان برای اولین بار پس از بازگشت از اروپا در سال ۱۳۲۱ کتاب «مذهب در اروپا» را سخنرانی کرد. این سخنرانی آغاز فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی او و بازتابی از اولین توجهاتش به موقعیت مذهب در جامعه بود (جهانبخش، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰). بعد از آن در سال ۱۳۲۱ بازرگان سخنرانی «طهارت از نظر علمی» را در کانون ایراد کرد. این سخنرانی بعدها به شکل کتابی با عنوان «طهارت در اسلام» منتشر شد (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۲۱). این کتاب بیشتر جنبه دفاع از دیانت، حقیقت و عمق اسلام داشت؛ چون چنین ادعا شده بود که اسلام جوابگوی تمام مسائل معنوی و مادی زندگی فردی و اجتماعی است (بازرگان، ۱۳۵۰، ص ۸۲). کانون فرهنگی اسلام همچنین محل پیوند طیف ملی - مذهبی و روحانیانی مانند آیت‌الله طالقانی، راشد و فلسفی - به عنوان گردانندگان اصلی و سخنران جلسات - بود (رجبی دوانی، ۱۳۷۶، ص ۹۹). فعالیت‌های این کانون تا سال ۱۳۲۲ ادامه داشت. در این سال آیت‌الله طالقانی پایگاهش را به مسجد هدایت منتقل کرد و با این انتقال کانون اسلام عملاً برچیده شد (برزین، ۱۳۷۴، ص ۵۴).



### ۲-۳- فعالیت در انجمن اسلامی دانشجویان

عده‌ای از دانشجویان مذهبی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در جلسات تفسیر آیت‌الله طالقانی در کانون اسلام شرکت می‌کردند. آن‌ها انجمن اسلامی دانشجویان را در سال ۱۳۲۱ تشکیل دادند (بازرگان، ۱۳۵۰، ص ۷۹). این انجمن کانون فعالیت‌های فکری - فرهنگی و اولین حرکت اسلامی - اجتماعی آزاد روشن‌فکران ملی - مذهبی در دهه ۲۰ محسوب می‌شد و تأثیر و دامنه‌ای فوق‌العاده در ایران و خارج از آن پیدا کرد (بازرگان، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۱۳). تولد این مرکز را در این زمان، باید بازتاب نیازها و دل‌مشغولی‌های گروه‌های مذهبی جامعه با اهداف مشخصی همچون اصلاحات مذهبی و ارائه اسلام به‌عنوان دینی سازگار با نوگرایی، علم و عقلانیت در جامعه، نزدیک کردن دانشجویان به دین، مقابله با توده‌های‌ها، بهایی‌ها و جواب‌دادن به شبهات آن‌ها، اعتقاد به تجربه کار جمعی - تشکیلاتی و فرهنگی - اجتماعی، و پرهیز از فعالیت‌های سیاسی دانست (سحابی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۵۸؛ بازرگان، ۱۳۵۰، ص ۷۹)

مهندس بازرگان، آیت‌الله طالقانی، و دکتر سحابی در تشکیل انجمن‌های اسلامی نقشی نداشتند و حتی از تشکیل آن‌هم، اطلاعی نداشتند (بازرگان، ۱۳۵۰، ص ۷۹)؛ ولی پس از تأسیس انجمن، در رهبری فکری - ایدئولوژیکی آن در کنار هم‌فکران دیگر خود مانند علی‌اکبر معین‌فر، علی‌اصغر معین‌فر، مصطفی کتیرایی، عزت‌الله سحابی، کاظم یزدی، ابوالفضل حکیمی، ابراهیم یزدی، مصطفی چمران و... نقش زیادی ایفا کردند (یزدی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۵۷). آنان به‌عنوان گردانندگان فکری انجمن به‌موجب آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱) عمیقاً بر این باور بودند که برای تغییر اساسی در جامعه باید خود مردم عوض شوند. براساس این، بسیاری از فعالیت‌های انجمن حول محور کار فرهنگی و تبیین مبانی فکری و اعتقادی، بازسازی اندیشه دینی و ممنوعیت بحث درباره مسائل سیاسی بود؛ یعنی انجمن اسلامی در ابتدای حرکت خود جهت‌گیری سیاسی خاصی نداشت و اصولاً جریانی فرهنگی بود و همه‌نوع گرایش را در خود جای می‌داد (سحابی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۸۶).

این انجمن برای پیاده کردن اهداف خود برنامه‌هایی داشت که یکی از آن‌ها انتشار مجلاتی فکری - فرهنگی همچون *ایمان*، *فروغ علم*، *گنج شایگان*، *حکمت*، و *پیکار* اندیشه بود (تحلیلی *پیرامون دانشگاه...*، ۱۳۶۳، ص ۱۵). این مجلات ارگان فکری و ایدئولوژیک اسلام دانشگاهی (نوگرایی دینی) محسوب می‌شدند (بازرگان، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۱۴). هدف دیگر انجمن نشر کتاب، سخنرانی و تبلیغات، برای خنثی کردن اثر تبلیغات ضد دینی، و ایجاد رابطه میان علوم جدید و اسلام بود (سحابی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۸۶). همچنین برای بحث درباره موضوعات جدید و بیان دیدگاه‌های اسلام، اغلب بازرگان، سحابی، آیت‌الله طالقانی، صدرالدین بلاغی، محمدتقی فلسفی و راشد سخنرانی داشتند (بازرگان، ۱۳۵۰، ص ۷۹). اغلب نوشته‌های بازرگان در بسط ادبیات اسلامی نوگرا در ایران اهمیت دارد؛ ولی سخنرانی‌های ایرادشده او در انجمن اسلامی برای مخاطبانی بود که عموماً غیردانشجو بودند و به فعالیت‌های مذهبی روشن‌فکران دینی علاقه‌مند شده بودند (اسعدی، ۱۳۷۱، ص ۲۹۸؛ سحابی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۸۸). در شماری از این سخنرانی‌ها مانند، کار در اسلام، دل و دماغ، راه طی شده، سرچشمه استقلال، پراگماتیسم در اسلام و... - که بعداً به صورت کتاب منتشر شده‌اند - مهندس بازرگان به تحولات روز و به اصطلاح گفتمان‌های روز و معضلات و مشکلات فکری و اجتماعی واکنش نشان داده‌است. انجمن اسلامی دانشجویان با انگیزه نیرومند دینی و با احساس مسئولیت عمیق اجتماعی پدید آمد (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۷۰)؛ ولی با فعالیت‌های فکری و فرهنگی‌ای که نیروهای ملی-مذهبی نقشی عمده در جهت‌دهی به آن داشتند، توانست به لحاظ عقیدتی و استدلالی سد بزرگی را در برابر فلسفه ماتریالیسم ایجاد کند و عشق و ایمان به مبارزه را در جوانان مسلمان متبلور سازد. ولی این فعالیت‌ها در برابر تبلیغات حزب توده کفایت نکرد، چون خالی از دینامیسم و عمل و وجهه حکومتی بود (بازرگان، ۱۳۵۰، ص ۱۲۴). تشکیل انجمن کاری بسیار نو محسوب شد، ولی در آن برهه که مبارزه غالباً در دست نیروهای غیرمذهبی بود، نتوانست نفوذ زیادی در جامعه داشته باشد. با این حال توانست نوعی فعالیت سازمان‌یافته و شیوه جدید فعالیتی را عرضه کند؛ فعالیتی که راه را برای نسل بعدی فعالان مسلمان پس از کودتای ۱۳۳۲ هموار کرد.

### ۳-۳- فعالیت فرهنگی در جریان ملی‌شدن صنعت نفت

ملی‌شدن صنعت نفت حرکت سیاسی برجسته‌ای بود که به موازات حرکت ایدئولوژیکی شروع شده در جامعه به صورت گسترده بر جو غالب آن دوره تأثیر گذاشت. روشن‌فکران ملی-مذهبی بیشتر با فعالیت فرهنگی در جامعه شناخته شده بودند؛ ولی ملی‌شدن نفت سبب همکاری بیش‌ازپیش این گروه با سایر گروه‌ها و جریان‌های سیاسی شد و باعث شد تا آنان طی سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۳۲ (در مسئله نفت و قضایای بعدی مرتبط با آن) در کنار فعالیت‌های فرهنگی حساسیت‌های سیاسی محدودی هم از خود نشان دهند و در این رخداد سیاسی شرکت کنند<sup>۱</sup> (بازرگان، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۷۲). در این زمان مهندس بازرگان با عدم ورود به قلمرو فعالیت‌های سیاسی مرسوم زمان به‌عنوان شخصیتی ملی، استاد دانشگاه و فعال اجتماعی در همه‌جا از طرح ملی‌شدن صنعت نفت حمایت کرد و بعضاً هم تحت تأثیر دکتر مصدق قرار داشت (شاملو، ۱۳۸۴، صص ۱۴-۱۹)؛ ولی هنوز این جنبش بعد سیاسی و تکیه‌گاه فکری پیدا نکرده بود (بازرگان، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۷۲). نیروهای ملی - مذهبی در ملی‌شدن نفت به‌طور طبیعی از انشعاب در حزب توده، حضور فعال سیاسی فدائیان اسلام، و شخص آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق متأثر بودند (شیخ فرشی، ۱۳۸۱: ص ۱۶)، زیرا در این زمان حزب توده - که مبارزه ایدئولوژیک با آن یکی از انگیزه‌های مهم پیدایش جریان روشن‌فکری ملی - مذهبی بود - دچار انشعاب شده بود که طبیعتاً این انشعاب به‌عنوان حرکتی استقلال‌خواهانه از سیاست‌های مسکو، مورد توجه این طیف روشن‌فکری قرار گرفت (شیخ فرشی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۲). شخصیت نواب صفوی برای مهندس بازرگان جذاب بود. بازرگان در مواردی انتقاداتی به فدائیان اسلام داشت، ولی سنت‌شکنی و جذبۀ شخصی رهبر فدائیان موجب شد که بازرگان با آنها مخالفتی ابراز نکند و حتی در مواردی مانند

۱. به گفته ابراهیم یزدی، این طیف قبل از مطرح‌شدن بحث ملی‌شدن صنعت نفت، با چاپ مقالات و بیانیه‌های سیاسی در مجله فروغ علم و تشکیل جلسات سخنرانی ماهیانه در انجمن اسلامی دانشجویان به صورت محدود وارد عرصه فعالیت‌های مسالمت‌آمیز سیاسی شده بودند. (یزدی، ۱۳۹۴، ج ۱، صص ۱۵۸-۱۵۹).

مخالفت فدائیان اسلام با مواضع سنتی - دینی برخی از روحانیان در قضیه نفت، با آن‌ها احساس همدردی کند (برزین، ۱۳۷۴، صص ۵۷-۵۸). با وجود واکنش‌های محدود نیروهای ملی - مذهبی در قضیه نفت و تأکید بر حرکت مسالمت‌آمیز در مسیر اصلاح اندیشه دینی و رفع مشکلات اجتماعی، در سال ۱۳۳۰ بازرگان از سوی دکتر مصدق به‌عنوان مدیر شرکت نفت آبادان انتخاب شد و پس از آن مسئولیت پروژه لوله‌کشی آب تهران به او واگذار شد؛ ولی با وجود این، او این همکاری با دولت ملی را در کادر کوشش‌ها و زندگی سیاسی خویش تعریف نکرد؛ چون به کار سیاسی با مفهوم مطرح در آن سال‌ها زیاد اعتقاد نداشت و همچنان به سیمای فرهنگی خود علاقه بیشتری نشان می‌داد (شاملو، ۱۳۸۴، ص ۱۴)؛ چنان‌که در مهر ۱۳۳۱ (سال‌های اوج ملی‌شدن صنعت نفت) مقاله «بازی جوانان با سیاست» را نوشت و در آن به نقد فعالیت‌های سیاسی جوانان پرداخت و از آنان خواست که به‌جای دخالت در مسائل سیاسی به درس‌ومشق خود برسند (بازرگان، ۱۳۳۱، صص ۴-۸).

#### ۴- فعالیت‌های فرهنگی در دهه ۳۰

روشن‌فکران ملی - مذهبی با انجام فعالیت فرهنگی - اجتماعی طی دهه ۲۰ از صحنه سیاست دوری گزیده بودند و تنها به انتقاد مجادله‌آمیز و ایدئولوژیک از تفکر غیرمذهبی مارکسیسم و شیوه‌های سنتی تفکر در عرصه فرهنگی و اجتماعی اکتفا کرده بودند (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۶۸). متأثر از کودتای ۲۸ مرداد، تحولی جدی در اندیشه‌های این گروه رقم خورد و سبب شد تا آن‌ها در کنار فعالیت‌های فرهنگی به عرصه فعالیت‌های سیاسی مسالمت‌آمیز نیز روی آورند؛ زیرا در آن مقطع، کودتای ۲۸ مرداد به‌عنوان اعلام رسمی بحران نظری و شکست عملی اندیشه‌ها و جریان‌های مادی و غیرمذهبی در حل مشکلات جامعه عمل کرد و در نهایت زمینه را برای پذیرش بدیل‌های خودی و مذهبی در عرصه مبارزات سیاسی - اجتماعی فراهم آورد (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۱۱). در آن شرایط مهندس بازرگان علاوه بر ضرورت تاریخی و شرایط اجتماع از نظر تاریخی و روان‌شناسی نیز تحلیل کرد که خودآگاهی دینی مردم بر خودآگاهی ملی آن‌ها برتری دارد و زمینه روحی و فکری برای مبارزه براساس مذهب

بسیار آماده‌تر از ناسیونالیسم است و آموزه‌ها و الگوهای دینی مبارزه برای مردم ایران شناخته‌شده‌ترند؛ بنابراین تأکید کرد که مذهب باید به‌عنوان جزء اصلی ناسیونالیسم و ملیت مطرح شود (برزین، ۱۳۷۴، صص ۱۳-۱۶ و ۱۵۷) تا بتواند به‌صورت هدفی رحمانی و ایدئولوژی‌ای محرک در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی جامعه عمل کند (بازرگان، ۱۳۵۰، صص ۱۶۲-۱۶۳ و ۲۰۷). براساس این، او به‌همراه دیگر نیروها با تحلیل رویدادهای قبل از کودتای ۲۸ مرداد در درک علل شکست نیروهای ملی در این کودتا عمیق‌تر شدند و به ارزیابی قدرت و امکانات خود برای مبارزه بیشتر با دشمن مشترک پرداختند و به‌عنوان اولین واکنش، «نهضت مقاومت ملی ایران» را تشکیل دادند. این تشکیلات نیروهای ملی - مذهبی را در پیوند با نیروهای مستقل ملی‌گرا و مذهبی رسماً وارد عرصه سیاست کرد و به گفته فرزین وحدت: «جنبش اسلامی و گفتمان آن را به بلوغ رسانید» (وحدت، ۱۳۸۲، ص ۱۹۸).

مهندس بازرگان درباره این تغییر رویه می‌گوید:

«ما می‌دیدیم نهضت سرکوب شده؛ آزادی از بین رفته و جای عدالت را ظلم و ستم و فساد گرفته‌است...» (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۷۰)، «[بنابراین] همه‌کس مجبور است همه‌کاره شود. استاد دانشگاه هم به دادو فریاد سیاسی پردازد» (بازرگان، ۱۳۵۰، ص ۱۶۲). با این نگرش جدید، مهندس بازرگان و همفکرانش از قالب فعالیت‌های کاملاً فرهنگی بیرون آمدند و از پرداختن صرف به جریان‌های فکری جامعه، به مسئله قانون و فقدان آن در رفتار مستبدانه دولت با مردم توجه کردند و به عرصه فعالیت‌های سیاسی هم وارد شدند (بازرگان، ۱۳۶۳، ص ۱۷). با مطرح شدن این اندیشه، کم‌کم فکر سازمان‌دهی نهضت مقاومت در میان سایر احزاب و طرفداران نهضت ملی دهان‌به‌دهان گشت و آن‌ها برای نیل به هدف مذکور جلساتی را با موضوع سرنوشت وطن و استقلال و آزادی آن ترتیب دادند (سحابی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۵). در نهایت در اثر تلاش آن‌ها، یک ماه بعد از کودتا نطفه اولیه نهضت مقاومت ملی در پیوند با هیئت علمیه تهران، حول محور فعالیت‌های آیت‌الله زنجانی از اعضای برجسته این هیئت تشکیل شد (بصیرت‌منش، بی‌تا، صص ۱۶ و ۷۲) و در نخستین حرکتش به مخالفت با حکومت نظامی دولت زاهدی پرداخت و با دادن پیام‌هایی مانع از باز شدن بازار شد (نجاتی، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۱۰۱-۱۰۲).

نهضت مقاومت تشکیلات مختلط ملی، مذهبی، و سوسیالیستی‌ای بود که دارای سازمان‌دهی نیمه‌علنی و نیمه‌مخفی بود (فارسی، ۱۳۷۳، ص ۵۸). در ترکیب این تشکیلات در کنار تعدادی از علمای عضو فراکسیون ملی مجلس و برخی از روحانیون مستقل نظیر آیت‌الله طالقانی و روشن‌فکران ملی - مذهبی، سه طیف، بازاریان، دانشگاهیان و احزاب هم حضور داشتند (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۰۲). نهضت مقاومت ملی برای نیل به اهدافش به جلب حمایت مردم و اتحاد و همبستگی میان آن‌ها نیاز داشت؛ بر همین مبنا در برنامه تبلیغاتی‌اش هدف خود را از مبارزه، ادامه راه و روش مصدق و نهضت ملی قرار داد (نجاتی، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۱۰۷ و ۳۰۸). نهضت با این تبلیغات موفق شد تا اقشار مختلف جامعه را جذب کند و در مدت کوتاهی نیروهایی پراکنده را زیر پرچمی واحد متمرکز سازد تا بتواند از تجارب رهبران و فعالان این احزاب سیاسی و نمایندگان آن‌ها برای سازمان‌دهی کمیته‌های مرکزی، دانشگاه، بازار و هیئت اجراییه و... استفاده کند. اعضای نهضت در طول مدت تقریباً هفت‌ساله فعالیت خود توانستند یک‌سری تظاهرات‌ها را راه‌اندازی کنند و نامه‌ها، مقالات و اعلامیه‌هایی در مخالفت مسالمت‌آمیز با حکومت چاپ کنند. این تشکیلات به‌صورت تلاشی مسالمت‌آمیز برای استفاده از نهادهای مردمی - دینی برای آگاهی‌دادن به مردم و دمیدن روح مقاومت و مبارزه در آن‌ها به‌وجود آمده بود؛ ولی درنهایت در اثر عواملی مختلف همچون وجود اختلافات درونی و رقابت‌های شخصی، سرکوب و فشار حکومت کودتا، نداشتن تجربه و تخصص لازم سیاسی رهبران برای مهار اوضاع، ضعف تشکیلاتی و سازمانی و... تضعیف و عملاً در سال ۱۳۳۹ منحل شد.

نهضت مقاومت در کسب قدرت توفیقی نیافت و در دهه اول پس از کودتا متلاشی شد؛ ولی درنهایت در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در اوایل دهه ۴۰ مؤثر واقع شد و به گفته مهندس بازرگان عقب‌نشینی محمدرضا شاه و اعلام فضای باز سیاسی و رویدادهای منجر به تجدید فعالیت جبهه ملی از آثار و نتایج عملیات نهضت مقاومت ملی بود (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۳۹). البته این نهضت از جهاتی دیگر نیز توانست مؤثر واقع شود؛ از یک طرف به زنده نگه‌داشتن تفکر ملی کمک کرد و باعث شد تا این تفکر در صحنه سیاسی ایران، جریانی بانفوذ و مطرح باقی بماند و از سوی

دیگر، جریان ملی - مذهبی را که وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی شده بود در ادامه حرکت ایدئولوژیک خود پایدارتر سازد. اعضای نهضت در ضمن فعالیت سیاسی خود در نهضت به این درک رسیدند که برای انسجام مخالفان علیه حکومت حول آرمانی مشترک، در فراسوی اهداف سیاسی باید به دنبال تکیه‌گاه مطمئن‌تر اعتقادی باشند؛ بنابراین درصدد برآمدند تا با محور قراردادن ایدئولوژی‌ای برآمده از باورهای مذهبی جامعه، پشتوانه اعتقادی اصیلی را برای ایجاد جنبشی انقلابی در آینده تدارک ببینند. در این راستا بار دیگر هم‌زمان با فعالیت‌های سیاسی به فعالیت‌های فرهنگی و نهادسازی در جامعه روی آوردند. این اقدام در آن زمان نشانه اولویت‌دادن مجدد آن‌ها به فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی بود.

ولی در این میان تجربه فعالیت فرهنگی - سیاسی در نهضت مقاومت ملی و مشاهده ناتوانی رهبری آن در بسیج نیروهای مبارز و عدم تأثیرگذاری برجسته نهضت در سطح جامعه و سپس انحلال آن، روشن‌فکران ملی - مذهبی را بار دیگر به اولویت‌دادن به فعالیت‌های فرهنگی - تربیتی بر فعالیت‌های سیاسی واداشت و آن‌ها با اولویت‌دادن به این شیوه فعالیت، بخش مهمی از توان خود را در این راستا متمرکز کردند (فارسی، ۱۳۷۳، صص ۲۱-۲۲). براساس این موضوع آنان در نتیجه تجربیات دهه گذشته و باتوجه به وضعیت سیاسی جامعه، در پی گفتگوهای<sup>۱</sup> پیشنهاد فعالیت‌های فرهنگی دسته‌جمعی و نهضت انجمن‌سازی را مطرح کردند و استدلالشان این بود که به علت وجود استبداد روحیه کار جمعی و همبستگی روحی - فکری در کشور وجود ندارد و در جامعه شکاف ایجاد شده است. به اعتقاد آنان مشکل ایران با تشکیل حزبی سیاسی و حتی روی کار آمدن دولتی ملی حل نمی‌شد؛ بلکه تربیت دموکراسی و امکان مجتمع شدن و همکاری از همه چیز واجب‌تر بود؛ پس باید خود را برای فعالیت‌های اجتماعی تربیت می‌کردند و روحیه کار جمعی را با برنامه‌ریزی درازمدت و ایجاد نهادهای مدنی تأثیرگذار تقویت می‌کردند. حاصل این استدلال‌ها را مهندس بازرگان

۱. این گفتگوها متعاقب روی کار آمدن حسین علاء در مدت ۵ ماه زندان در سال ۱۳۳۴ به علت انتشار اعلامیه «در مقابل این توطئه بیدار باشیم» انجام شده است.

در کتاب «عشقی و پرستش» آورد و بعداً آن را در سخنرانی «احتیاج روز» در دانشکده کشاورزی کرج مطرح کرد (بازرگان، ۱۳۵۰، ص ۱۶۴؛ بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۲۲۹-۲۳۰). در آن زمان مهندس بازرگان در زمینه عمل جمعی برای پیشرفت اجتماعی معتقد بود که در منطق قرآن و در کلام خداوند فرد به عنوان موجودی مرتبط در جمع، جمع حال و گذشته به حساب می آید و انسان به هیچ وجه واحدی مستقل و مجزا و دارای مسئولیت و وظایف فردی در نظر گرفته نشده است؛ بلکه همواره روابط او با اجتماع و روابط اجتماع با جامعه بشریت مورد توجه بوده است (بازرگان، ۱۳۷۷، ج ۲، صص ۵۶-۵۸). به دنبال این استدلال‌ها بود که اعضای نهضت مقاومت ملی هم‌زمان با فعالیت سیاسی - فرهنگی در نهضت، در خارج از کادر نهضت نیز به صورت متناوب انجمن‌های اسلامی گوناگونی را برای فعالیت‌های فرهنگی شکل دادند تا از تفرقه و پراکندگی هواداران خود جلوگیری کنند و آنان را تا فرارسیدن فرصتی مناسب و تجدید فعالیت علنی متحد نگاه دارند (رادنیا، ۱۳۷۷، ص ۳۸۳). طی سال‌ها فعالیت در این نهادها، تفکر اکثر اعضای انجمن را فکر تربیت دموکراسی و امکان مجتمع شدن و یاد گرفتن فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی بر اساس اصول اسلامی برای پیشرفت اجتماعی تشکیل می‌داد (بازرگان، ۱۳۷۷، ج ۲، صص ۵۶-۵۸). بررسی فعالیت‌های فکری - سیاسی این نهادها و انجمن‌ها نشان می‌دهد که روشن‌فکران ملی - مذهبی با انجام سخنرانی‌های متفاوت و بعضاً مذهبی و چاپ و انتشار کتاب‌های گوناگون به تدریج روند نهادینگی و تثبیت سنت اسلام لیبرال را امتداد بخشیدند. روشن‌فکران مذکور در این دهه و در کنار این تشکل‌ها، فعالیت‌های فرهنگی - سیاسی دیگری همچون سخنرانی‌های مذهبی - سیاسی در جمع تحصیل کرده‌ها و نوشتن و چاپ کتب و جزوات هم داشتند که به سهم خود نقش بارزی در جذب گروه‌هایی از دانشجویان و تحصیل کرده‌ها به مذهب و موضوعات سیاسی ایفا می‌کرد. طی این سال‌ها مهندس بازرگان به ارائه یک‌سری سخنرانی‌ها و نوشته‌جات پرداخت که اکثر آن‌ها مضامین دینی - تربیتی داشتند و بحث از مسائل سیاسی در آن‌ها یا وجود نداشت و یا کم بود. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به «جنگ دیروز و فردا» و «عشقی و پرستش» در سال ۱۳۳۴، «احتیاج روز» در سال ۱۳۳۶، «خداپرستی و افکار روز» در سال ۱۳۳۷، «آموزش تعالیم دینی» و «آموزش قرآن» در



سال ۱۳۳۸، و «یادداشت‌های سفر حج»، «انسان و خدا»، «مسأله وحی» در سال ۱۳۳۹ و ... اشاره کرد (آل‌سیدغفور، ۱۳۷۶، صص ۳۸۸-۳۹۰).

هم‌زمان با فعالیت‌های این طیف از روشن‌فکران دینی، متأثر از برنامه «اتحاد برای پیشرفت» جان. اف. کِنْدی<sup>۱</sup> تحولاتی در سال ۱۳۳۹ در ایران انجام شد و شاه با تبعیت از سیاست‌های کندی با اعلام برخی آزادی‌های نسبی برای گروه‌های مختلف، زمینه‌ساز ایجاد «فضای باز سیاسی» شد که در این فضا احزاب و گروه‌های مختلف شکل گرفتند و توانستند آزادتر از گذشته فعالیت کنند (جزنی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۴). دو نمونه برجسته از این احزاب جریان جبهه ملی دوم و نهضت آزادی بودند. نقش جریان ملی - مذهبی در تحولات کشور در دهه ۴۰ کاملاً برجسته بود. روند فعالیت‌های روشن‌فکران ملی - مذهبی تا اردیبهشت ۴۰ غالباً مبارزات مسالمت‌آمیز فرهنگی - اجتماعی بود و تأسیس نهضت آزادی اولین فعالیت برجسته و سازمان‌یافته سیاسی جریان ملی - مذهبی بود. آن‌ها با تشکیل دو حزب مذکور - به‌ویژه نهضت آزادی در اردیبهشت ۴۰ - با نهضت اسلامی پیوند خوردند و فصل جدیدی در فعالیت‌هایشان رقم خورد و فعالیت‌های سیاسی مسالمت‌آمیز در اولویت کارشان قرار گرفت. آن‌ها در این دهه همچنان به فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی خود ادامه دادند، ولی این فعالیت‌ها غالباً تحت‌تأثیر فعالیت‌های سیاسی آن‌ها انجام می‌شد.

در ادامه به بخشی از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی جریان ملی - مذهبی در دهه ۳۰ اشاره می‌شود:

۱. کِنْدی با آگاهی از اوضاع بد اقتصادی ایران و نارضایتی اقشار مختلف جامعه و برای کاهش این نارضایتی‌ها و حفظ حکومت خواستار اجرای برنامه مذکور شد؛ زیرا او و همراهانش باتوجه‌به پیروزی جنبش‌های ضدامپریالیستی در برخی از کشورها به این نتیجه رسیده بودند که تنها راه جلوگیری از پیروزی جنبش‌های چپ و حفظ رژیم‌های دیکتاتوری وابسته به غرب، ایجاد اصلاحات اساسی و کاهش سرکوب و اختناق در کشورهای وابسته است (عیوضی، ۱۳۸۵، ص ۸۸).

۴-۱- تأسیس متاع<sup>۱</sup>

طرح تأسیس متاع در سخنرانی مهندس بازرگان با عنوان «احتیاج روز» در روز عید فطر ۱۳۳۵ در انجمن اسلامی دانشکده کشاورزی کرج ریخته شد. بعدها متاع منشأ و مؤسس بسیاری از نهادهای اسلامی، اجتماعی و سیاسی شد. (بصیرت‌منش، بی‌تا، ص ۹۳). در این زمان بازرگان درحالی‌که مبارزه سیاسی و فعالیت در نهضت مقاومت ملی را تعطیل نکرده بود، برنامه درازمدت خود را در قالب متاع تدوین و آغاز کرد. او در این سخنرانی به تفصیل دیدگاه‌های خود را بیان کرد و بر نقطه‌ضعف ایرانی‌ها؛ یعنی فردی عمل کردن آن‌ها انگشت گذاشت و این موضوع را اساس بدبختی و عقب‌افتادگی ایرانیان ذکر کرد. او بر کار جمعی به عنوان یکی از عوامل تربیت اجتماعی تأکید کرد و ایجاد مکتب‌های تربیتی و اجتماعی - عملی را فریضه‌ای دینی و وظیفه‌ای ملی به‌شمار آورد (بازرگان، ۱۳۷۸، ج ۸، صص ۲۲۹-۲۳۰ و ۲۳۹).

متاع کار خود را با تشکیلاتی مخفی و با هدف تأسیس نهادهای مدنی - به‌عنوان کارگاه‌های تمرین همکاری‌های جمعی - و همچنین تشویق تأسیس انجمن‌های اسلامی - صنفی آغاز کرد. اسامی مؤسسان و نام متاع رسماً اعلام نشد و تا زمان ترور آیت‌الله مطهری (اردیبهشت ۱۳۵۸) مخفی بود؛ پس از این تاریخ متاع تعطیل شد (سحابی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۸۷). با وجود این از کسانی همچون مهندس بازرگان، کاظم یزدی، عزت‌الله سحابی، احمد آرام، مصطفی کتیرایی، مرتضی مطهری، مهدی حائری یزدی، کاظم حاج طرخانی، غلامرضا سعیدی، باقر رضوی، دکتر تاج و دکتر ابراهیم یزدی، یدالله سحابی و کاظم متحدین به‌عنوان اعضای مؤسس سخن به‌میان آمده‌است (یزدی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۸۳؛ سحابی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۸۷). وظیفه اصلی این مکتب، ایجاد فضایی مناسب برای همکاری و هم‌کنشی فکری - ذهنی میان روشن‌فکران دینی و روحانیان جوان حوزه بود. جلسات متاع که با حضور دو طیف روحانی و روشن‌فکران مذهبی تشکیل می‌شد، غالباً مخفی بود و طی ۲۰ سال (۱۳۳۵-۱۳۵۸) ادامه یافت. محور عمده این جلسات، بحث درباره مسائل و مشکلات جوانان با مذهب و چالش‌های

۱. مخفف «مکتب تربیتی اسلامی عملی».

فکری عقیدتی آنان بود. از نظر فعالان متاع، بزرگ‌ترین چالش فکری - عقیدتی آن زمان از جانب مارکسیست‌ها بود که باید به آن جواب داده می‌شد (یزدی، ۱۳۹۴، ج ۱، صص ۲۸۱-۲۸۳)؛ (بصیرت‌منش، بی‌تا، صص ۹۲-۹۳). این مکتب در سیر فعالیت خود گاهی به دلیل زندانی شدن اعضای اصلی آن دچار فترت می‌شد و عملاً فعالیت‌هایش تعطیل می‌شد؛ ولی چون کارایی زیادی داشت تا پیروزی انقلاب اسلامی و حتی بعد از آن تا ترور آیت‌الله مطهری (اردیبهشت ۱۳۵۸) فعالیت‌هایش ادامه داشت. گفتنی است که آیت‌الله مطهری بعد از خروج از جلسه همین مکتب ترور شد. این تشکیلات با توجه به هدف و انگیزه تشکیل آن، از نظر حوزه کار و اقدام و عمل مرز نمی‌شناخت؛ بنابراین در روند فعالیت خود برای گسترش فکر اجتماعی، آموزش دین، نهادینه کردن دموکراسی و پیشرفت و توسعه مدنی، منشأ آثار اجتماعی و علمی و فرهنگی فراوان شد و مؤسسات متعددی را برای درمان معضلات اجتماعی پدید آورد که اهداف دینی و اجتماعی معینی را دنبال می‌کردند (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۲۳۲).

در ادامه به برخی از مهم‌ترین اقدامات این تشکیلات اشاره می‌شود:

#### ۲-۴- تأسیس دبیرستان کمال

اولین نتیجه فعالیت نیروهای ملی - مذهبی در متاع تشکیل مؤسسه‌ای فرهنگی با عنوان «اخلاق» در ۷ مرداد ۱۳۳۵ بود. این مؤسسه را گروهی از بازاریان متدین تهران و چند تن از استادان دانشگاه همچون یدالله سبحانی، مهدی بازرگان، احمد بازرگان، احمد آرام، حاج حسن مزینی، کاظم حاج طرخانی و کاظم یزدی تشکیل و در ۲۸ فروردین ۱۳۳۶ ثبت کردند. از شرایط عضویت مؤسسه، مسلمان عامل به تقوا و مقدم در امور فرهنگی اعلام شد. هدف مؤسسه اخلاق در اساس نامه‌اش «تعلیم و تربیت افراد کشور در ضمن تفهیم و تمرین معنویت و حقایق اسلامی» بیان شد (مراسن، شماره بازیابی ۷۰۶۲؛ سبحانی، ۱۳۷۷، صص ۳۵۰). ولی به نظر می‌رسد هدف اصلی این مؤسسه در سال ۱۳۳۷، تأسیس دبیرستانی به نام «کمال» در منطقه نارمک بوده‌است. این مدرسه به سرپرستی دکتر سبحانی با سبک و سیاق جدید و با هدف طرح مسایل اعتقادی - فکری در کتب درسی، آموزش علم از راه تحکیم ایمان و بالابردن آمادگی دانشجویان برای تحصیلات

در دانشگاه تأسیس شد (پدر به روایت پسر، ۱۳۹۳/۱/۲۳: ۱) و کار خود را از سال تحصیلی ۳۷-۳۸ آغاز کرد. در ساخت این مرکز دکتر مصدق و آیت‌الله بروجردی هم کمک‌های مالی کردند (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۳۳). بعد از تأسیس مدرسه کمال نیز افرادی همچون آیت‌الله طالقانی، احمد بازرگان و مهدی بازرگان کمک مالی به آن می‌کردند (کریمی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۴۹).

این مدرسه در راستای فعالیت‌های فرهنگی خود و برای ارتقای علمی و آموزشی به چاپ نشریات مختلف پرداخت. یکی دیگر از برنامه‌های مترقی و روشنگرانه این مدرسه، برگزاری مراسم به مناسبت اعیاد دینی بود که در این مراسم‌ها، آیت‌الله طالقانی، مطهری و سیدحسین نصر سخنرانی می‌کردند. افرادی همچون رجایی، باهنر و بهشتی در این مدرسه تدریس می‌کردند. ولی نکته کلیدی درباره فعالان این دبیرستان پیوند سه گروه روحانیان، تحصیل‌کردگان دانشگاهی، و بازاریان سیاسی در تأسیس و اداره این دبیرستان بود. در گزارش ساواک در آغاز دهه ۴۰، از دبیرستان کمال به عنوان یکی از کانون‌های مبارزه و اغتشاش علیه حکومت پهلوی نام برده شده است. ولی ساواک با وجود اطلاع از فعالیت‌های این مرکز آن را تعطیل نکرد و ۱۵ سال بعد (اسفند ۱۳۵۲) در اثر عواملی مانند، گسترش فعالیت‌های چریکی و نظامی مخالف حکومت، حساسیت نهادهای امنیتی، و مشارکت برخی از معلمان این مدرسه در گروه‌های نظامی امتیازش را لغو کرد (کریمی‌پور، ۱۳۸۹، صص ۴۹ و ۶۲).

### ۳-۴- تشکیل انجمن‌های اسلامی

نهضت انجمن‌سازی یکی از فعالیت‌های متاع در تهران و شهرستان‌ها بود و شامل انجمن اسلامی پزشکان، مهندسين، معلمان و بانوان بود. این انجمن‌ها از یک سو زمینه را برای تأسیس نهضت آزادی فراهم کردند و از سوی دیگر سرآغازی برای تشکیل مجامعی مانند حسینیه ارشاد شدند (جعفریان، ۱۳۹۱، ص ۴۴۴)؛ بنابراین بخش زیادی از فعالیت‌های فرهنگی روشن‌فکران ملی - مذهبی را در سال‌های قبل از انقلاب شامل شدند. فکر تشکیل انجمن‌های اسلامی را از سال ۱۳۳۶ به بعد ملی - مذهبی‌ها در درون متاع مطرح کردند. در دهه ۲۰، اعضای این انجمن‌ها را جمع زیادی از دانش‌آموختگان

انجمن اسلامی دانشجویان تشکیل می‌دادند (یزدی، ۱۳۸۲، صص ۱۳۰-۱۳۱) و در آغاز، هدف مؤسسان آن سیاسی نبود و بیشتر فعالیت‌های فرهنگی و صنفی مدنظرشان بود؛ ولی به تدریج و در عمل ارتباط‌هایی میانشان برقرار شد که به باز تولید حرکت‌های سیاسی منجر شد. این انجمن‌ها در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ پیوسته به فعالیت خود ادامه دادند. آن‌ها در دهه ۴۰ در بیشتر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با تلاش کسانی همچون عباس شبیانی گسترش یافتند. انجمن‌های اسلامی - به‌ویژه انجمن مهندسیین و پزشکان - گه‌گاه جلساتی را برای سخنرانی روحانیون مشهوری مانند آیت‌الله مطهری، بهشتی، طالقانی، محمدتقی جعفری، باهنر و روشن‌فکرانی مانند بازرگان برگزار می‌کردند که با برقراری این جلسات گسترده مذهبی، زمینه برای انتشار برخی از آثار مهم دینی فراهم می‌شد. همین جلسات نقشی چشمگیر در روند پیروزی انقلاب اسلامی داشتند و حاصل آن‌ها بعدها به صورت کتاب‌هایی چاپ شد. هدف از برگزاری این جلسات سخنرانی، بیشتر افزایش آگاهی و گسترش افکار نو اسلامی در میان جوانان، دانشجویان و روشن‌فکران بود (جعفریان، ۱۳۹۱، صص ۴۴۴؛ یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۲۳۷-۲۳۸). این سخنرانی‌ها در مراسم‌های مختلف از جمله جشن‌های بعثت هر سال انجام می‌شدند و آینده سنت اسلام لیبرال و پس‌از آن روشن‌فکری دینی را مشخص می‌کردند (آل‌سیدغفور، ۱۳۷۶، صص ۳۸).

#### ۴-۴- تأسیس شرکت سهامی انتشار

یکی از اقدامات بدیعی که نیروهای ملی - مذهبی در پی گسترش نهادهای خود ضرورت وجود آن را درک کردند، تأسیس شرکتی انتشاراتی برای گسترش فرهنگ دینی - سیاسی و تألیف سخنرانی‌های حاملان این تفکر و کتاب‌هایی با محتوای علمی - اسلامی مورد نیاز نسل جوان بود. براساس این نیاز در سال ۱۳۳۸ شرکت سهامی انتشار به‌عنوان نخستین ناشر و توزیع‌کننده آثار نوگرایی دینی با مشارکت بیش از ۲۵۰ سهام‌دار تشکیل شد (یزدی، ۱۳۹۴، ج ۱، صص ۲۸۱؛ بازرگان، ۱۳۷۹، ج ۹، صص ۱۴) و به‌نوعی پایه‌گذار انتشارات اسلامی، اجتماعی و علمی آزاد به سبک جدید شد (بازرگان، ۱۳۹۱، ج ۲۴، صص ۶۵). این شرکت با همکاری جمعی از روشن‌فکران و روحانیان همچون مهدی بازرگان، یدالله سبحانی، کاظم یزدی و حسن محجوب، (یزدی، ۱۳۷۳، صص ۴-۵)

آیت‌الله طالقانی، مطهری، احمد آرام، محمد معین و ... تأسیس شد (یاران امام به‌روایت اسناد...، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۱). این شرکت نقطه عطفی در تحول فرهنگ مذهبی از شکل سنتی آن به شکل مدرن آن به‌شمار می‌رفت و توانست زمینه لازم را برای تمرین کار دسته‌جمعی و همکاری‌های فرهنگی گسترده در این دوره فراهم کند (بازرگان، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۱۴). در آن زمان، مراکز انتشاراتی عمدتاً در کنترل دولت و گروه‌های غیرمذهبی بود و چاپ و انتشار کتب دینی مرتباً با مانع روبه‌رو می‌شد (یزدی، ۱۳۷۳، صص ۴-۵)؛ بنابراین هدف مؤسسان این شرکت پرکردن خلأ این نوع کتاب‌ها و پاسخ مثبت به نیازهای روز جوانان بود (مراسان، شماره‌بازیابی ۳۹۰). شرکت سهامی انتشار با فروش سهام خود طی سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۵۲ بسیاری از افراد متدین را جذب کرد و با انتشار کتاب‌های اسلامی خدمات شایانی به فرهنگ اسلامی کرد (یاران امام به‌روایت...، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۱).

شرکت انتشار منبع در آن زمان منبع درآمدی برای روشن‌فکران ملی - مذهبی به‌شمار می‌رفت. این شرکت در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ موفق شد آثار مختلفی از روشن‌فکران و روحانیان نواندیشی همچون گل‌زاده غفوری، بازرگان، طالقانی، مطهری، محمدتقی شریعتی، یدالله سبحانی، ترجمه‌های احمد آرام و محمدمهدی جعفری، و... را با جهت‌گیری معین سیاسی منتشر کند و به یکی از مراکز عمده فکری - سیاسی برای مبارزان سیاسی تبدیل شود (یاران امام به‌روایت...، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۱؛ یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۲۳۹-۲۴۰). نخستین انتشار شرکت، کتاب «خداپرستی و افکار روز» مهندس بازرگان بود (مراسان، شماره‌بازیابی ۳۹۰) و یکی از مهم‌ترین آثار منتشرشده آن «بحثی درباره مرجعیت و روحانیت» در سال ۱۳۴۱ بود. ساواک سرانجام در سال ۱۳۵۳ شرکت انتشار را به‌دلیل انتشار کتاب «حسنک کجایی» ویژه کودکان اثر حسن پرنیان بست؛ چون این کتاب دیدی سیاسی داشت. به‌دنبال این ماجرا، شرکت ظاهراً تا سال ۵۷ تعطیل بود ولی در واقع پنهانی به فعالیت خود ادامه می‌داد و پس از پیروزی انقلاب هم فعال بود (جعفریان، ۱۳۹۱، صص ۳۹۳-۳۹۴ و ۴۴۲).

## نتیجه‌گیری

جریان روشن‌فکری ملی - مذهبی در اواخر دوران حکومت رضاشاه با رویکردی جدید، به دین و مسائل و مشکلات جامعه پا به عرصه وجود نهاد؛ ولی این جریان به صورت جدی محصول تحولات ایران پس از ضربه شهریور ۱۳۲۰ است. این جریان در جو غالب جهانی در آن مقطع مبارزه مسالمت‌آمیز را تجویز می‌کرد؛ همچنین افکار و عقاید خود این جریان هم مبنی بر این بود که مشکل عمده و اساسی جامعه مسائل انسانی، معنوی و اخلاقی و به‌طور کلی مشکلات اجتماعی - فرهنگی است که باید اصلاح شود. بنابراین این جریان به فعالیت‌های فرهنگی مسالمت‌آمیز در قالب‌های مختلف از جمله، سخنرانی‌های مذهبی - سیاسی، چاپ کتب و جزوات عمدتاً علمی - دینی با محتوای تطبیق دین با علوم تجربی جدید و ایدئولوژی‌های مختلف اروپایی، شرکت در نهادهای مختلف فرهنگی، انجمن‌سازی و... روی آورد و هدفش ترویج دموکراسی و امکان مجتمع‌شدن و یادگرفتن فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی براساس اصول اسلامی برای پیشرفت اجتماعی بود؛ در نتیجه در دهه ۲۰ این شیوه فعالیت را دنبال کرد. حقیقت این حرکت روشن‌فکری و منشأ حیات آن در آن زمان بدین معنا بود که برای نخستین بار در تاریخ معاصر ایران جریانی فکری به اهمیت ایجاد جنبشی فرهنگی پی برده بود؛ جنبشی که اگرچه شور و حال جنبش‌های سیاسی را نداشت، ولی می‌توانست با عمق و غنای بیشتر در درازمدت آثار عمیق‌تری بر جامعه بگذارد. با این طرز تفکر، تمام تلاش این جریان در دهه ۲۰ برای اصلاح اعتقادات فکری و تربیت معنوی نسل جوان انجام شد. این جریان این شیوه فعالیت را در دهه ۳۰ هم ادامه داد و با این روند مبارزاتی در این دو دهه توانست به سهم خود نقشی بارز در جذب گروه‌هایی از دانشجویان و تحصیل‌کرده‌ها - مخاطبان اصلی این جریان - به مذهب و مسائل سیاسی ایفا کند؛ زیرا این جریان بیشتر نخبه‌گرا بود و همه اقشار جامعه را پوشش نمی‌داد و بیشتر مخاطبان آن همین اقشار تحصیل‌کرده و طبقه متوسط جدید بودند. این جریان در این مسیر با برشمردن عناصر فرهنگی مؤثر در تحولات اجتماعی بر نقش دو عامل مهم تعالیم دینی و علوم تجربی زیاد تأکید می‌کرد و زدودن پیرایه‌های دینی و احیای آن را مطابق با مقتضیات دنیای جدید

و تمدن نوین، شرط اساسی استقلال و راه رسیدن به موفقیت معرفی می‌کرد. در کنار این شیوه فعالیت در دهه ۳۰ بود که این جریان با تشکیل نهضت مقاومت ملی به سوی فعالیت‌های سیاسی مسالمت‌آمیز نیز کشیده شد؛ ولی همچنان چارچوب فعالیت‌های فرهنگی خود را حفظ کرد. این جریان پس از آن و در اواخر این دهه با ایجاد فضای باز سیاسی از سوی حکومت، فعالیت‌های تازه‌ای را شروع کرد و فصل تازه‌ای را در فعالیت‌های خود رقم زد.



## منابع

## اسناد

- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، بخش اسناد، واحد آرشیو، معاونت اطلاع‌رسانی پرونده‌های سازمان‌دهی نشده نهضت آزادی، کد بازایی ۳۹۰ و ۷۰۶۲.

## کتاب

## - قرآن کریم

- اسعدی، مرتضی. (۱۳۷۱). *سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج*. (عباس مخبر، مترجم)، تهران: صهبا.
- امیری، جهاندار. (۱۳۸۳). *روشن‌فکری و سیاست (بررسی تحولات روشن‌فکری در ایران معاصر)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- امیری، جهاندار. (۱۳۸۹). *روشن‌فکری دینی: لیبرال یا دین‌مدار؟*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۳۱). *بازی جوانان با سیاست*. (چ ۱) تهران: آفتاب.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۵۰). *مدافعات در دادگاه غیر صالح تجدیدنظر نظامی*. (چ ۱). تهران: مدرس.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۶۳). *انقلاب ایران در دو حرکت*. (چ ۴). تهران: بنیاد فرهنگی مهندسی مهدی بازرگان.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۷۵). *شصت سال خدمت و مقاومت: خاطرات مهندس مهدی بازرگان در گفتگو با سرهنگ غلامرضا نجاتی*. (چ ۱). تهران: رسا.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۷۷). *شصت سال خدمت و مقاومت: خاطرات مهندس مهدی بازرگان در گفتگو با سرهنگ غلامرضا نجاتی*. (چ ۲). تهران: رسا.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۷۸). *مجموعه آثار، جلد ۸: مباحث علمی، اجتماعی، اسلامی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۷۹). *مجموعه آثار، جلد ۹: مباحث ایدئولوژیک*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۸۷). *مجموعه آثار، جلد ۱۶: مقالات اعتقادی و اجتماعی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- بازرگان، مهدی. (۱۳۹۱). *مجموعه آثار، جلد ۲۴: انقلاب اسلامی ایران (۳) سلام بر سومین سال انقلاب...*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- برزین، سعید. (۱۳۷۴). *زندگی نامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان*. (چ ۲). تهران: مرکز.
- پدرام، مسعود. (۱۳۸۲). *روشن فکran دینی و مدرنیته در ایران پس از انقلاب اسلامی*. (چ ۱). تهران: گام نو.
- *تحلیلی پیرامون دانشگاه قبل و بعد از انقلاب*. (۱۳۶۳). (چ ۲). (نهضت آزادی ایران، گردآورنده). تهران: نراقی.
- جزنی، بیژن. (بی تا). *تاریخ سی ساله ایران*. بی جا: بی نا.
- جعفریان، رسول. (۱۳۹۱). *جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران (از روی کارآمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی) سال های ۱۳۲۰-۱۳۵۷*. تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جهانبخش، فروغ. (۱۳۸۲). *از بازرگان تا سروش*. (سعیده سریانی، مترجم). تهران: انتشارات بهزاد.
- رادنیاء، عباس. (۱۳۷۷). *مقاومت در زندان*. (ابراهیم یزدی، کوشش گر). تهران: قلم.
- رجیبی دوانی، محمد. (۱۳۷۶). *خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زکریایی، محمدعلی. (۱۳۷۸). *درآمدی بر جامعه شناسی روشن فکری دینی*. تهران: آذریون.
- سحابی، عزت الله. (۱۳۸۸). *نیم قرن خاطره و تجربه: خاطرات عزت الله سحابی از دوران کودکی تا انقلاب ۵۷*. (چ ۲). تهران: فرهنگ صبا.
- سحابی، یدالله. (۱۳۷۷). *یادنامه دکتر یدالله سحابی*. (محمد ترکمان، گردآورنده). تهران: قلم.
- شفیعی فر، محمد. (۱۳۷۸). *درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی*. بی جا: نهاد مقام معظم رهبری.
- شیخ فرشی، فرهاد. (۱۳۸۱). *روشن فکری دینی و انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۵). *جامعه شناسی سیاسی اپوزیسیون در ایران*. تهران: قومس.
- غنی نژاد، موسی. (۱۳۷۷). *تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر*. تهران: نشر مرکز.

- فارسی، جلال‌الدین. (۱۳۷۳). *زوایای تاریک*. تهران: حدیث.
- فراستی، علی. (۱۳۷۵). *مبارزات مسالمت‌آمیز، هم استراتژی هم تاکتیک (ضرورت تئوری بقاء)*. فرانسه: جنبش برای امنیت، عدالت و پیشرفت.
- فوزی، یحیی. (۱۳۸۸). *اندیشه سیاسی در ایران بعد از اسلام*. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- قریشی، فردین. (۱۳۸۴). *بازسازی اندیشه دینی در ایران*. تهران: قصیده.
- کاظمی، عباس. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی روشن‌فکری دینی در ایران*. تهران: طرح نو.
- کرمی‌پور، حمید. (۱۳۸۹). *کارنامه سیاسی و فرهنگی دبیرستان‌های کمال نارمک، رفاه، علوی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نجاتی، غلامرضا. (۱۳۷۷). *تاریخ سیاسی بیست و پنج‌ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)*. (چ ۲). تهران: رسا.
- وحدت، فرزین. (۱۳۸۲). *رویارویی فکری ایران با مدرنیت*. (مهدی حقیقت‌خواه، مترجم). تهران: ققنوس.
- *یاران امام به روایت اسناد ساواک کتاب بیست و نهم: آیت‌الله سیدمحمود طالقانی (ابوذر زمان)*. (ج ۲). (۱۳۸۲). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- یزدی، ابراهیم. (۱۳۵۷). *اوضاع سیاسی کنونی ایران*. تبریز: خاتم.
- یزدی، ابراهیم. (۱۳۸۲). *جنبش دانشجویی در دو دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰*. تهران: قلم.
- یزدی، ابراهیم. (۱۳۸۶). *روشن‌فکری دینی و چالش‌های جدید*. تهران: کویر.
- یزدی، ابراهیم. (۱۳۹۴). *شصت سال صبوری و شکوری*. تهران: کویر.
- یوسفی اشکوری، حسن. (۱۳۷۶). *سیری در زندگی، آثار و افکار مهندس مهدی بازرگان، جلد ۱: در تکاپوی آزادی*. تهران: قلم.

## مقاله

- «پدر به روایت پسر». (۱۳۹۳/۱/۲۳). روزنامه شرق، شماره ۱۹۸۸.
- شاملو، علی. (۱۳۸۴). «گفت‌وگویی به‌مناسبت سالروز ملی شدن نفت (۱۴ اسفند) با دکتر ابراهیم یزدی». روزنامه شرق، ش ۷۱۳، ص ۱۴.
- یزدی، ابراهیم. (۱۳۷۳). «مهندس بازرگان؛ نیم‌قرن تلاش در عرصه سیاست و اندیشه دینی». ماه‌نامه *کیان*، سال چهارم، ش ۲۳، صص ۴-۵.

پایان نامه

- آل سیدغفور، سیدمحسن. (۱۳۷۶). «اسلام لیبرال در ایران معاصر». رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- مصاحبه چاپ نشده.
- بصیرت منش، حمید. (بی تا). ۱۷ جلسه مصاحبه با مهندس عزت الله سحابی، آرشیو مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.